

عوامل مؤثر در پیدایی نقوش
قالی خشتی چالش تر



قالی خشتی، مأخذ: بایگانی نقشه های
اتحادیه فرش استان چهارمحال و
بختیاری، ۱۳۸۸.



عوامل مؤثر در پیدایی نقوش قالی خستی چالش تر*

اصغر جوانی* * اصغر ایزدی جیران*** ناصر فکوهی**** افسانه قانی*****

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱۰/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۳/۷

چکیده

هنر هر قوم و منطقه‌ای تبلور آئین، آداب و رسوم، اعتقادات مذهبی و دارای ریشه‌های کهنی است که آن جامعه می‌تواند با تکیه بر این ارزش‌ها برای توجیه افکار و عقاید خود از آن استفاده کند. منطقه چالش تر یکی از مناطق ویژه در حوزه هنرهای سنتی، صنایع دستی و به خصوص قالی دستباف است. قالی این منطقه، به دلیل داشتن شاخصه‌هایی نظیر طرح، نقش و رنگ مختص خود، دارای جایگاهی ویژه در دنیای فرش است. نقش مایه‌های موجود در یکی از معروف‌ترین قالی‌های منطقه قالی‌های خستی دارای بیان تصویری جهان‌شمولی هستند که بیشتر جهت ارائه پیام یا تزئینات استفاده شده‌اند. این مقاله سعی در پاسخ دادن به این مسئله دارد که مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در پیدایش نقوش قالی‌های خستی چالش تر کدامند. لذا ابتدا طبق تحقیقات میدانی از منازل منطقه چالش تر و مجموعه‌داران، نمونه‌هایی از اصیل‌ترین قالی‌های خستی منطقه بر اساس قدمت و کیفیت بصری انتخاب، تک تک نقوش داخل خست‌ها شناسایی و گروه‌بندی و سپس به ریشه‌یابی نقوش داخل خست‌ها پرداخته شد. به نظر می‌رسد که برخی از نقوش ریشه کهن دارند و از عواملی همچون: طبیعت، اعتقادات، تأثیرات فرهنگی و سبک بومی منطقه سرچشمه گرفته‌اند. مقاله حاضر به روش توصیفی در پی دستیابی به مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در به وجود آمدن برخی از نقش‌مایه‌های قالی‌های خستی چالش تر است. یافته جدید این تحقیق نشان می‌دهد که عامل طبیعت و تأثیرات فرهنگی بیشترین تأثیرگذاری بر پیدایش نقوش قالی‌های خستی چالش تر را داشته‌اند.

واژگان کلیدی

فرهنگ، طبیعت، مذهب و اعتقادات، چالش تر، قالی خستی، نقوش.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری افسانه قانی با عنوان تحلیل فرهنگی قالی خستی چالش تر (با رویکرد انسان‌شناسی هنر) است.
 Email: A.javani@au.ac.ir
 ** دانشجوی گروه نقاشی دانشگاه هنر اصفهان، شهر اصفهان، استان اصفهان
 Email: Izadi@ut.ac.ir
 *** استادیار گروه انسان‌شناسی دانشگاه تهران، شهر تهران، استان تهران
 Email: Nfakohi@ut.ac.ir
 **** دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشگاه هنر اصفهان، شهرکرد، استان چهارمحال و بختیاری. (مسئول مکاتبات)
 Email: Ghane54@hotmail.com



تصویر ۱. قلعه چالش تر سابق. مأخذ: نیکزاد، مجموعه عکس شخصی، ۱۳۲۰.

مقاله حاضر به شیوه میدانی و توصیفی در پی دستیابی به مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در پیدایی نقوش قالی‌های خشتی این منطقه است تا از این طریق بتوان مهم‌ترین عامل در ایجاد نقوش را شناسایی کرد.

روش تحقیق

گردآوری داده‌های این مقاله به روش میدانی و کتابخانه‌ای انجام گرفته است. پس از حضور در میدان تحقیق به شیوه مشاهده مشارکتی، از حدود پانزده تخته قالی خشتی در ابعاد متفاوت از ذرع و نیم تا دوازدهمتری که از لحاظ قدمت و کیفیت بصری در اولویت بودند عکسبرداری شد. در تصاویر تهیه شده، خشت‌های تکراری حذف و بقیه براساس نقوش جانوری و گیاهی مشخص و گروه‌بندی شدند. همچنین از ابنیه باستانی و طبیعت منطقه نیز تصاویری تهیه شد. در کنار مصاحبه با مطلعان کلیدی (بافندگان، طراحان، تجار و افراد مسن که از تجربه بیشتری در این زمینه برخوردار بودند) اسناد فرهنگی هم چون کتب، مقالات و اسناد کتبی موجود در قلعه چالش تر مورد مطالعه قرار گرفت. در نهایت داده‌های جمع‌آوری شده به شیوه توصیفی مورد بررسی قرار گرفتند.

پیشینه تحقیق

تحقیقات انجام گرفته در حوزه طرح‌ها و نقوش دستبافته‌های ایران، عموماً در موضوع قالی دستباف و بر محور مکتب‌شناسی متمرکز بوده است، به گونه‌ای که در مورد عوامل مؤثر بر پیدایش نگاره‌های قالی کمتر آثاری یافت می‌شود که در این حوزه نگارش شده باشد. اگرچه که در این تعداد محدود مطالب نوشته شده هم به مطالبی به صورت ظاهری و تکراری برخورد می‌کنیم که از این تعداد اندک هم شاید نتوان آن‌چنان که نیاز است به عنوان نحوه ورود و در نهایت پاسخ به موضوع مورد نظر سود جست. با این

مقدمه

خطه چالش تر^۱ در شمال غربی و به فاصله هشت کیلومتری شهرکرد مرکز استان چهارمحال و بختیاری طی حیات تاریخی و پرحادثه خویش محل گذر خوانین و نیز هنرمندانی بوده است که به غنای فرهنگی منطقه افزوده‌اند. چالش تر، با شاهی به نام قلعه چالش تر، تصویری شگفت‌انگیز از مردمی سخت‌کوش و هنرمند را نشان می‌دهد که در همه دوره‌ها به صورت متحد به خلق هنرها و صنایعی اشتغال داشته‌اند و دارند (تصویر ۱). امروزه برخی از تولیدات هنری و صنایع دستی این منطقه فقط به پدیده‌هایی تاریخی بدل شده‌اند ولی در این میان قالی را می‌توان استثنایی بر این قاعده شمرد. تولیدکنندگان یا مصرف‌کنندگان قالی خشتی چالش تر، معنایی جدا از خاصیت فیزیکی یا مفید بودنش برای این شیء قائل هستند، به ویژه اینکه این شیء هنری نشانه روزمرگی نیست، بلکه تاریخی بر آن گذشته است. این نوع قالی رنگ‌وبوی محلی و سنتی دارد و تاریخ، زندگی و آدم‌هایی را به یاد می‌آورد که، جدا از جنبه زیبایی‌اش، نقشی گسترده‌تر در زندگی مردم از جمله در مراسم و اعتقادات آن‌ها دارد. این نوع قالی به خاطر کیفیت مواد اولیه، طرح‌ها و نقوش، تکنیک بافت (بیشتر شیوه تک‌پودبافی، در اصطلاح بومی: تب کو)، رنگ‌رزی طبیعی، پیروی طراح یا بافنده صاحب‌ذوق از طبیعت، آداب، رسوم و اعتقادات معروف بوده و در حال حاضر هم با چنین پشتوانه‌ای جایگاه خود را حفظ کرده است. مزیت اصلی مقاله حاضر بر پژوهش‌های پیشین آن است که فقط به دنبال فن بافت، مواد اولیه، طرح و نقوش نیست و هدف اصلی آن روشن کردن عوامل مؤثر و مرتبط در ایجاد نقوش موجود در قالی خشتی چالش تر است تا از این طریق بتوان نشان داد که چگونه نقوش قالی خشتی می‌تواند با طبیعت، آداب و رسوم و... که هرکدام زیرمجموعه‌هایی از فرهنگ بومی هستند ارتباط پیدا کند و تبدیل به تجسمی از آن شود که این امر در پژوهش‌های پیشین مورد غفلت واقع شده است. به عبارتی دیگر پرسش اصلی این پژوهش این است که مهم‌ترین عوامل مؤثر در ایجاد نقوش قالی‌های خشتی چالش تر کدام‌اند؟ از این رو نویسندگان با تحقیقات میدانی و مطالعه مشاهده مشارکتی به جمع‌آوری اطلاعات از منطقه چالش تر پرداخته‌اند تا بتوانند ردپای به وجود آمدن نقوش قالی‌های خشتی را که از گذشته به حال و آینده منتقل می‌شود مشخص سازند؛ یعنی بتوانند ردپای اینگونه خاص از رابطه با طبیعت و محیط پیرامون، آداب، رسوم، باورها و اعتقادات، با سایر موجودات (گیاهان، جانوران و اشیا) را در قالی این منطقه بیابند؛ به عبارت دیگر مشخص شود که چه روابط معنایی بومی در پس نقوش قالی خشتی چالش تر انتقال پیدا کرده است. تجربه چنین روابطی، تجربه‌ای منحصربه‌فرد و نادر است که هنوز امکان مشاهده و مطالعه مستقیم آن وجود دارد و باید بتوان از این امتیاز با اهداف علمی بهره برد؛ لذا

۱. چالش تر را مرکب از دو کلمه «چالش» و «تر» می‌دانند. بنابر بیان صاحب‌برهان قاطع و دیگر فرهنگ‌ها «چالش» را به معنای جنگ، نبرد و «تر» را به معنی میدان، محل و پسوند مکان بیان کرده‌اند؛ بنابراین چالش تر به معنای میدان جنگ است (آهنجیده، ۱۳۸۶: ۲۴۲).



داشته‌اند که امروزه قالی‌های خشتی که بیشتر نوع چالش‌تری آن معروف است، سهم عمده صادرات قالی‌های استان چهارمحال و بختیاری را به خود اختصاص داده است. در این مقاله ضمن بیان هدف هنر قومی، نظام صوری حاکم در قالی‌های خشتی که منجر به خلق اثر هنری شده، مطمح نظر قرار گرفته است اما به عوامل مؤثر در پیدایش نقوش قالی خشتی چالش‌تر اشاره‌ای نشده است.

بیشتر منابع ذکر شده قالی خشتی چالش‌تر را به طور کلی در منطقه مورد نظر، بررسی کرده‌اند و تمرکز آن‌ها در اصل به تاریخچه، فنون، ابزارها و معرفی برخی از طرح‌ها و نقوش بوده است. از این نظر ما با فقر پژوهش‌های فرهنگی در حوزه قالی چالش‌تر روبه‌رو هستیم، در نتیجه این اولین پژوهش در این حوزه خواهد بود. مزیت اصلی پژوهش حاضر بر پژوهش‌های پیشین آن است که فقط به دنبال فن بافت، مواد اولیه، طرح و نقوش نمی‌گردیم. کار اصلی را روشن کردن زمینه‌های فکری مرتبط با تولید قالی می‌دانیم. بدین منظور برخلاف محققین پیشین، مجموعه فرهنگی بومی را در بستر تولید قالی چالش‌تر خواهیم گذاشت تا درکی دیگر از آن به لحاظ فرهنگی ایجاد و متن پرمحتوایی را تولید کنیم که نشان می‌دهد چگونه نقوش قالی می‌تواند با برخی عوامل فرهنگی ارتباط پیدا کند و تبدیل به تجسمی از آن شود. ما نیز قبول داریم که میراث فرهنگی بزرگی در قالی‌ها نهفته است و افراد با بافتن آن‌ها چیزهایی درباره خودشان می‌گویند، اما باید نشان داده شود اول اینکه چه چیزهایی گفته می‌شود و دوم چگونه گفته می‌شود که این امر در پژوهش‌های پیشین مورد غفلت واقع شده است.

قالی خشتی چالش‌تر

چالش‌تر، از روستاهای حومه بخش مرکزی که به مدت چهار قرن مرکز حکومت و حکمرانی خوانین بختیاری بوده است، دارای قالی‌های خشتی است که معروفیت جهانی دارند. در این نوع قالی، شکل‌های مربع هم‌انداز، کنار هم چیده می‌شوند و درون این مربع‌ها نقوش مختلفی بافته می‌شود که زمینه و طرح هر کدام با دیگری متفاوت است.

مفهوم فرهنگ

از زمان پیدایش و رشد جامعه‌شناسی علمی، انسان‌شناسی و دیگر شاخه‌های مختلف علوم انسانی، هریک از صاحب‌نظران به گمان خود تعریف تازه‌ای برای فرهنگ بیان کرده‌اند. برخی از این تعریف‌ها به اختصار عنوان می‌شوند.

الف. تعاریف توصیفی: که بر عناصر سازنده فرهنگ تأکید دارند و در اساس متأثر از رویکرد ادوارد تیلور هستند. این مردم‌شناس انگلیسی در سال ۱۹۵۸ با انتشار کتاب *Primitive Culture* بیان می‌کند که فرهنگ یا تمدن در مفهوم گسترده انسان‌شناسانه آن مجموعه‌ای پیچیده‌ای است که شناخت، اعتقادات هنر، اخلاقیات، قانون،



تصویر ۲. قالی خشتی مأخذ: مجموعه شخصی محمودیان، ۱۳۸۸.

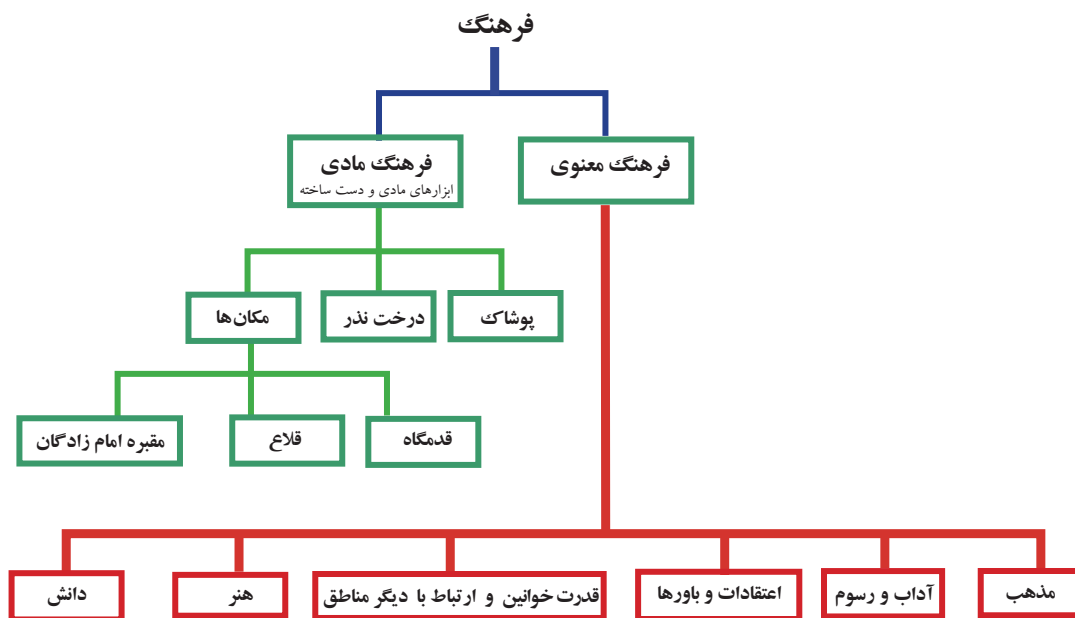
توضیح در ادامه به مرور منابعی که ارتباطی غیرمستقیم با عنوان مورد نظر مقاله دارد پرداخته می‌شود.

- کرمانی (۱۳۷۵). در طرح پژوهشی بررسی اصالت نقوش خشتی و قالی در قالی‌های استان چهارمحال و بختیاری انواع قالی‌های خشتی و قالی استان چهارمحال و بختیاری از وجوه نقش، رنگ و نمونه‌های تصویری در هر منطقه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در این پژوهش به قالی خشتی چالش‌تر، همراه با چند نمونه تصویری شناسنامه‌دار، به طور کلی اشاره شده است.

- قانی (۱۳۸۸). در فصل پنجم پایان‌نامه که مربوط به طرح و نقش قالی چالش‌تر است، برخی از عوامل تأثیرگذار در پیدایی نقوش قالی‌های چالش‌تر از جمله طبیعت، مذهب، اعتقادات و عوامل فرهنگی به اختصار معرفی شده‌اند اما به عوامل مؤثر در پیدایش نقوش قالی‌های خشتی اشاره‌ای نشده است.

- زارعی (۱۳۸۲). در این مقاله روند تاریخی مربع و خشت با توجه به قدیمی‌ترین نمونه‌های یافت شده مانند قالی پازیریک مورد بررسی قرار گرفته است.

- براتی و افروغ (۱۳۹۱). نویسندگان در این مقاله بیان



نمودار ۱. فرهنگ مادی و معنوی منطقه چالش تر

با توجه به موضوع مقاله حاضر، تعریفی از فرهنگ که مناسب پژوهش ارائه می‌شود. در یک تعریف فرآیندی، فرهنگ «شیوه بودن و عمل کردن در جهان اجتماعی» است. این فرهنگ می‌تواند در برگیرنده عناصری همچون هنر باشد که در تعاریف توصیفی به کار برده‌اند. «شیوه بودن همان میراث معنوی و مادی است که به افراد در فرآیند اجتماعی شدن منتقل شده است و شیوه عمل کردن، به کار بردن این میراث در عمل است که در طی آن تغییرها در زمانی رخ می‌دهد» (ایزدی جیران، ۱۳۹۱: ۲۱). از این روی وقتی از تجسم عوامل فرهنگی در نقوش قالی خشتی چالش تر سخن گفته می‌شود اشاره به این نکته دارد که این نوع قالی فرم ملموسی است که قسمت‌هایی از فرهنگ بومی را نشان می‌دهد؛ یعنی با بررسی این قالی می‌توان بخشی از حضور میراث گذشته را در شیوه بودن و بخشی از درگیری افراد با این میراث را در شیوه عمل کردن مشاهده کرد.

با توجه به تعریف فوق، مفهوم فرهنگ در پیدایش برخی از نقوش قالی خشتی در نمودار ۱ معرفی می‌شود. طبق تعریف ارائه‌شده فرهنگ خود به فرهنگ مادی و معنوی تقسیم می‌شود. فرهنگ مادی شامل ابزارهای مادی، شیوه‌ها و فرآیندهای ساخت و ساز آن‌ها و آنچه به دست بشر از ماده طبیعی ساخته می‌شود و فرهنگ معنوی شامل ارزش‌ها، باورها، اندیشه‌ها، دانش، دین، آداب و سنت‌ها، علوم، فلسفه، ادبیات، هنر و همه فرآورده‌های ذهنی انسان می‌داند (آشوری، ۱۳۷۹: ۱۱۴). که از این میان طبیعت، محیط پیرامون و قلاع از فرهنگ مادی و مذهب، اعتقادات و تأثیرات فرهنگی از فرهنگ معنوی در پیدایش برخی نقوش قالی

رسوم و هرگونه قابلیت‌ها و عاداتی را شامل می‌شود که به وسیله انسان به‌عنوان عضوی از جامعه کسب شده است (Tylor, 1958:1). بر اساس این تعریف هنر یکی از مقوله‌های فرهنگ به شمار می‌آید.

ب. **تعاریف تاریخی:** این تعاریف بر میراث اجتماعی تأکید می‌ورزد. برونیسلاو مالینوفسکی فرهنگ را به دو طریق تجزیه و تحلیل می‌کند. در نگاه اول، فرهنگ را دارای کارکرد ارضای نیازهای انسان در زندگی اجتماعی و انطباق انسان با محیط اطرافش می‌داند. اجزای مختلف فرهنگ، در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر، برای برآوردن این خواسته شرکت می‌جویند. از نگاه دوم مالینوفسکی «فرهنگ را میراث اجتماعی می‌داند» (Malinowski, 1930:621) که از گذشته به نسل آینده منتقل می‌شود و شامل مهارت‌ها، کارها، فرایندهای فنی، عادت‌ها و ارزش‌هاست.

ج. **تعاریف هنجاری:** این تعاریف بر قواعد و شیوه‌ها متمرکزند.

د. **تعاریف روان‌شناختی:** فرهنگ را وسیله سازگاری و حل مسئله می‌دانند.

ه. **تعاریف تکوینی:** بر فرهنگ همچون یک ساخته یا فرآورده تمرکز دارند (ایزدی جیران، ۱۳۹۱: ۲۰).

داریوش آشوری نیز فرهنگ را «کلیت درهم‌تافته‌ای می‌داند که شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات و هرگونه توانایی و عادت‌های آدمی از جامعه به دست می‌آورد. فرهنگ در گسترده‌ترین معنای خود نامی است برای همه چیزهایی که دست‌آورد انسان است و مایه جدایی او از طبیعت و برتری او بر دیگر باشندگان طبیعی است» (آشوری، ۱۳۷۹: ۷۵ و ۱۲۱).



تصویر ۲. نقاشی دیواری قلعه چالش تر، خشت سرو، سرو و گل شانزده پیر بر حجاری های قلعه چالش تر مأخذ: نگارندگان



تصویر ۴. نمونه استفاده شده گل چندپیر در قلمدان (فضای مابین خشت ها) و حاشیه کوچک قالی خشتی، مأخذ: همان

معتقدند که «عوامل قومی، فرهنگی، اجتماعی، دینی، تاریخی زندگی و ساختار روحی و روانی بافنده در نوع و کیفیت قالی تأثیر مستقیمی دارد. قالی بافته شده با پشتوانه چنین عواملی ارتباط فرهنگی با محیط بیرون از خود را برقرار می کند» (قانی، ۱۳۹۱: ۲۱). در اثر مهاجرت اقوام گوناگون به این منطقه، تأثیرات بسیاری از فرهنگ های دیگر به این سرزمین وارد شده است که این تأثیرات فرهنگ خارجی و اقوام مختلف ساکن در منطقه چالش تر بر ایجاد و روند تغییر و تحول نقوش تأثیر داشته اند. در جریان این تبدلات، حتی اگر دو فرهنگ دارای سرچشمه های مشترک باشند، در گذر زمان چنان رشد مستقلی داشتند که هماهنگی خود را باهم از دست داده اند. «اما بافنده هرگز به صورت تام تحت تأثیر فرهنگ وارداتی واقع نمی شود. انتخاب او یا گزینشی

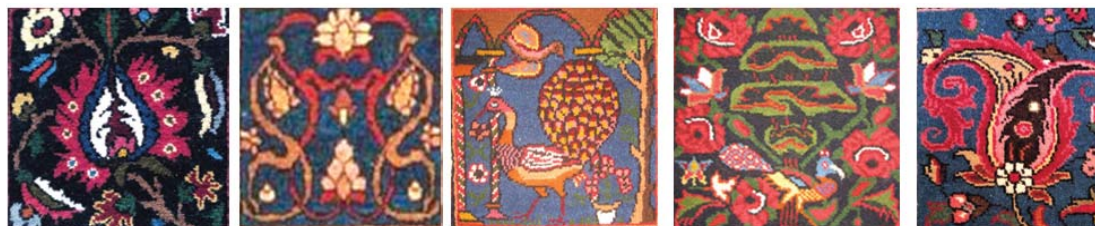
خشتی چالش تر با نمونه های تصویری معرفی می شوند که از تأثیرگذارترین عوامل هستند.

عوامل مؤثر در پیدایی نقوش قالی خشتی

۱. تأثیرات فرهنگی و سبک بومی منطقه

تأثیرات فرهنگی مبادله شده بین اقوام می تواند در محدوده فرهنگ معنوی و مادی تعریف شود، اما آیا این تأثیرات در فرهنگ بومی قابل جایگزین ساختن است و تا چه حد می تواند برای وام گیرندگان (طراحان و بافندگان قالی خشتی چالش تر) سودمند باشد؟

بدون تردید در آفرینش و خلق آثار هنری هر قوم، عناصر فرهنگی مختلفی همچون عقاید و باورها، اساطیر و نمادها، نقش مهمی را ایفا می کنند. بسیاری از صاحب نظران



تصویر ۵. خشت بته (بته سرکج)، طاووس، دهن اژدری (ایژدری) و گل بادبزی، مأخذ: نگارندگان



تصویر ۶. داس و خشت داس، چنگال پرندگان و خشت چنگال، پیچک و خشت قیچی، کفشوزک و خشت کفشوزک (از سمت راست)، مأخذ: همان



تصویر ۷. خشت مرغ و انگور، مأخذ: بایگانی نقشه‌های خشتی اتحادیه فرش استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۹۰.

بر زمان، مکان و موقعیت خاصی است» (عبدالحسین زاده، ۱۳۸۵: ۴۹).

در پی مراودت‌های فرهنگی بین چالش تر و سایر مناطق نقوشی به قالی خشتی این منطقه وارد شده که می‌تواند ناشی از سه عامل باشد: الف. کوچ، ب. رفت و آمد خوانین به سایر مناطق و ج. سفارش بافت از سوی بازرگانان.

در قالی‌های خشتی چالش تر نقوشی مانند درخت سرو، گل‌های چندپری، گل‌دان، گل‌های زنبق، نرگس، رز و ... بسیار کاربرد دارد. در نقاشی‌های دیواری قلعه چالش تر، که از دوره قاجاریه به یادگار مانده است، این نقوش به وفور دیده شده است. استفاده از گل نیلوفر که در اصطلاح محلی چندپری (پنج، شش و هشت‌پر) نامیده می‌شود، در حاشیه‌های کوچک و قلمدان‌ها (فضای بین خشت‌ها) به وفور دیده می‌شود (تصاویر ۳ و ۴).

نقوشی دیگر نیز در قالی‌های خشتی مشاهده می‌شود

است یا تلفیقی با نقوش بومی و فرآیند تولید نقش‌مایه به شکلی نیست که نگاره را از بیخ و بن متحول کند، بلکه این تغییرات اعمال شده بسیار جزئی است و با سرعتی کندتر و در زمانی طولانی‌تر کامل می‌شوند» (توفیقی، ۱۳۸۶: ۴۵۶). چنین مقوله‌ای در عالم هنر نیز به گونه‌ای است که در آن هنرمندان با توجه به دریافت و برداشتی که از واقعیت امور کسب کرده‌اند «بدون آنکه مانعی در مقابل خویش ببینند، فضاهای مختلف را در کنار هم قرار داده و وقایع را روایت می‌نمایند» (بیهقی، ۱۳۶۷: ۱۶).

هنرمند بافنده یا طراح بومی، با در نظر گرفتن سبک خود، تغییرات خود را بر نقش‌مایه‌های وام‌گرفته با احتیاط اعمال می‌کند. از طرف دیگر غلط‌خوانی‌های بافنده ذهنی باف اجازه تقلید کامل به او را نمی‌دهد. به همین خاطر، گاهی با نگاره‌هایی برخورد می‌کنیم که حدس منشأ و معنی آن چندان راحت نیست. برخی از نقش‌مایه‌ها عمومیت داشته و در فرهنگ‌های دیگر نیز مشاهده می‌شود اما برخی دیگر هم فقط اختصاص به منطقه‌ای خاص دارد و به دلیل اینکه قابل دستیابی برای دیگر فرهنگ‌ها نیستند، در تاریخ همان منطقه و جامعه‌ای که به آن هویت داده است باقی می‌مانند یا منسوخ می‌شوند. میرچا الیاده^۱ در این باره می‌گوید: «این نگاره‌ها در موقعیت‌های مشخص و معینی پدیدار می‌شوند» (الیاده، ۱۳۸۵: ۲۵). پس عمومیت کاربرد آن‌ها را در میان اقوام مختلف تنها بر اثر تأثیرات فرهنگی و مراودات بوده است. عواملی همچون کوچ، وصلت‌های بین اقوام، جنگ‌ها، مهاجرت‌ها بر روند اعمال تأثیرات فرهنگی مؤثر واقع شدند و این بدین معناست که نوعی سبک محلی شکل گرفته است؛ اما آیا بافنده این سبک مکرر را به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه به کار گرفته است؟ این نکته را وجود نگاره‌هایی با سابقه چندین هزار ساله در منطقه چالش تر مانند درختانی همچون بید مجنون، کاج، سرو و بته جقه، گل زنبق، که امروزه از نظر بافنده معنای اولیه را ندارد، تأیید می‌کند. «صورت و فرم نقش‌مایه‌ها همیشه تابع سبک است. سبک مفهومی است واسطه میان فرم، کارکرد و معنا و دال

1. Mircea Eliade



تصویر ۸. گل زنبق، خشت زنبق (گل پیازی) و درخت بادام و خشت بادام (از سمت راست)، مأخذ: نگارندگان

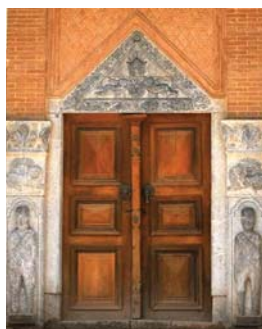


تصویر ۹. خشت زلف، سر ترنجی، قندان (ستونی) و شاه عباسی (سینی) (از سمت راست)، مأخذ: همان

داده‌اند» (وزیری، ۱۳۶۹: ۱۲۹).

بافت تصویری طبیعت این خطه سرشار از جلوه‌های خاص بصری و منحصر به فرد است. لذا پاره‌ای از نقوش قالی به طبیعت و محیط پیرامون نزدیک بوده، اما در اثر کاربرد مداوم از صورت طبیعی خود که در ذهن بافنده و حتی بیننده وجود داشته، به مرور زمان به صورت انتزاعی^۲ درآمده است، به نحوی که بارزترین جنبه‌های تصویر باقی می‌ماند و سادگی در حدی پیش می‌رود که دیگر چیزی در تصویر که به واقعیت خارجی شبیه باشد باقی نمی‌ماند؛ اما بین این طبیعت‌گرایی و انتزاع رابطه مستقیمی وجود دارد چراکه طبیعت و محیط اطراف منشأ بسیاری از نقوش است (تصویر ۶).

بنا بر اظهار بافندگان بومی، خشت داس برگرفته از داس یکی از وسایل مورد استفاده در کشاورزی، خشت چنگال، برگرفته از چنگال پرندگان، خشت قیچی برگرفته از



تصویر ۱۰. تزئینات سنگی اطراف درب ورودی قلعه چالش‌تر، مأخذ: بایگانی عکس سازمان میراث فرهنگی استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۸۶.

که ارتباطی به موقعیت و فرهنگ منطقه ندارند، ولی از زمان‌های گذشته بر اثر مراودت‌های فرهنگی در میان نقوش منطقه جای گرفته و با سلیقه‌های طراحان و بافندگان در قالی بافته شده‌اند که از آن جمله می‌توان به نقش بته، گل فرنگ و به خصوص طاووس اشاره کرد. با اینکه این پرنده در منطقه وجود ندارد، ولی نقش آن همیشه در کنار درخت کاج در خشت‌ها دیده می‌شود. نقوش انواع گل شاه‌عباسی و خطوط اسلیمی، که در زمان صفوی در عمارت عالی‌قاپو، کاخ چهل‌ستون و جلد‌های قرآن به زیبایی نقاشی شده است، از دیگر نقوش اصیل به‌کاررفته در قالی‌های خشتی منطقه است (تصویر ۵).

۲. طبیعت و محیط پیرامون

دقت در تناسبات قالی‌های خشتی چالش‌تر نوع تمایل طراح یا بافنده را به نسبت‌های موجود در طبیعت معلوم می‌سازد. در مورد طرح‌هایی که به‌طور مستقیم توسط بافندگان طراحی و اجرا می‌شود، باید به چند مطلب توجه داشت. اول اینکه این‌گونه طرح‌ها به‌طور ناب معرف سلیقه بافندگان است و بافندگان بر اساس ایده‌ها و ذوق شخصی برگرفته از طبیعت و محیط پیرامون خود نسبت به بیان تصویری علائق و آمال خود در آن اقدام می‌کنند. دوم، نوع نگاه و بیان آنان بر چارچوب الزامات فنی و خصایص هنر قالی‌بافی منطبق شده و هماهنگی مناسبی بین آن ایجاد می‌کند و سوم اینکه «طرز کار هنرمندان قدیم ایران به شیوه ناتورالیسم^۱ یعنی طبیعت‌سازی نیست، بلکه ایرانیان از هزاران سال پیش نقش‌های تجریدی و رمزی را ترجیح

1. Naturalist

2. Abstraction



تصویر ۱۲. نمایی از نقاشی‌های دیواری قلعه ستوده، مأخذ: همان



تصویر ۱۱. نمایی از قلعه ستوده، مأخذ: همان



تصویر ۱۳. خشت انگور و حجاری‌های سنگی قلعه چالش تر، مأخذ: نگارندگان

از خصوصیات هنر قومی یا بومی است (قانی، ۱۳۹۲: ۲۰۵). از طرفی بافنده در مواردی قصد بازنمایی و به تصویر کشیدن مقاصد طبیعت‌گرایی را دارد اما بعضی مواقع به دلیل محدودیت‌های بافت و نگاه خلاصه‌گزین خود موفق نمی‌شود و این خود منجر به خلق نقش‌مایه‌هایی جدید می‌شود.

نقوش خاص منطقه چالش تر الف. نقوش جانوری

آمیختگی کار زندگی مردم با شکار و دام، باعث شده تا اشکال جانوری به‌وفور در نقش‌های قالی جای بگیرند و به نوعی گویای طبیعت منطقه باشند. در ابتدا نقوش حیواناتی مانند شیر، آهو، گرگ گوسفند که با یکدیگر در ستیز و جدال هستند بر روی قالی پدیدار گشت. سپس آمیزه‌ای از طبیعت با جانوران این نقش را زیباتر کرد. قالی‌های خشتی قدیم به یک منظره شکار شباهت بسیار زیادی داشت ولی با به

گل پیچک یا هر دو شیء شبیه چوب یا ابزار برنده یا پای انسان است که به حالت ضربدری قرار می‌گیرد و خشت کفشدوزک که در اصطلاح بومی این حشره «عروس خدا» نامیده می‌شود.

در طبیعت منطقه چالش تر باغ‌های انگور زیادی وجود دارد. زمان فصل انگور پرندگانی همچون سبزقبا یا سار به انگورها نوک زده و از آن تغذیه می‌کنند که این اتفاق به‌صورت خشت مرغ و انگور در قالی‌های خشتی مشاهده می‌شود (تصویر ۷).

هنرمند طراح یا بافنده بیشتر رنگ و نقش بافته خود را از محیط اطراف برداشت کرده و یا رنگ و نقشی را که طبیعت او ندارد و می‌خواهد که بر بافته‌اش باشد به‌صورت ذهنی خلق می‌کند. بافنده چالش تری برای نقش‌پردازی خود نیازی به بازنمایی ویژگی‌های دقیق، آن‌طور که در طبیعت وجود دارد، نمی‌بیند، بلکه ساختارهای محدود و اصلی که نشان‌دهنده موضوع باشد را کافی می‌داند و این



از جمله نقوش گیاهی که در طبیعت منطقه وجود دارد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. گل زنبق که در اصطلاح محلی گل پیازی نامیده می‌شود، در کوه‌های منطقه چالش تر رشد می‌کند و از اواخر اسفندماه تا اوایل بهار از زیرخاک بیرون می‌زند.

۲. درخت بادام، کاشت و بهره‌برداری از درخت بادام در منطقه چالش تر جزو یکی از شغل‌های مردمان است. این نقش‌مایه به تنهایی یا در ترکیب با پرندگان در خشت‌ها بافته می‌شود (تصویر ۸).

از جمله خشت‌های دیگر که متأثر از طبیعت و محیط پیرامون هنرمند طراح یا بافنده است، می‌توان به تصویر ۹ اشاره کرد.

در پی تحقیقات انجام‌شده اکثریت کارشناسان قالی بومی معتقد بوده و هستند که برخی نقوش موجود در خشت‌ها نیز برگرفته از حجاری‌ها و نقاشی‌های دیواری قلعه‌ها و سایر بناهای تاریخی چالش تر است. این منطقه دارای دو قلعه است که عبارت‌اند از:

الف. قلعه خدارحم‌خان: این قلعه در سال ۱۳۲۳ ق توسط محمدرضاخان ستوده یکی از وابستگان خوانین چالش تر احداث شد که اندرونی آن به نام قلعه ستوده معروف است. قلعه دارای سردر با هشت ستون سنگی حجاری شده است. در دو طرف درب ورودی قلعه، نگهبانان سنگی برجسته قرار دارند (تصویر ۱۰). از تزئینات زیبای این بنا ازاره‌های سنگی سردر با نقوش مختلف است. ازاره‌های سنگی زیرزمین شامل نقوش گیاهی، درخت انگور، فرشتگان بالدار، گل و گلدان است که این نقوش در خشت‌ها بافته شده است.

ب: قلعه ستوده: این بنا نیز در سال ۱۳۲۳ ه.ق در مدت دو سال به سبک معماری دوره قاجار که تلفیقی از معماری ایرانی و اروپایی است بنا شده است. نقاشی‌های گل رز، کتنبه آیات قرآنی، یوسف و زلیخا، گچ‌بری شیر و شکاری و کاشی معقلی بارنگ‌های زرد و سیاه در نمای ساختمان و پنجره‌های بیضوی بالای درب اتاق‌ها، تزئین شده‌اند (تصویر ۱۱ و ۱۲).

در نمای بیرونی قلعه ستوده انواعی از نقوش حجاری شده‌اند که برخی از این نمونه‌ها و کاربردشان در قالی‌های



تصویر ۱۴. خشت درخت سرو حجاری‌های سنگی قلعه چالش تر، مأخذ: همان

تصویر در آمدن پرندگان هم‌چون طاووس و طوطی بر روی قالی مناظر شکار به مناظر احساسی و لطیف تبدیل شدند، هم‌اکنون نیز طرح قالی‌های خشتی جانوری بیشتر به این نگاره‌ها مزین‌اند (کرمانی، ۱۳۷۴: ۶۷).

بافندگان اظهار می‌دارند طرح‌های خشتی قدیم، که عدم تکرار در آن‌ها به وضوح قابل‌مشاهده است، راوی یک داستان یا قصه بوده‌اند. هر خشت نشانگر یک فرم از این داستان بوده و اغلب قسمت‌هایی از داستان که قابل طراحی بوده بافته و از جزئیات صرف‌نظر می‌شده است. در حال حاضر به دلیل استقبال بازار قالی از نقوش گیاهی در قالی‌های خشتی از نقوش حیوانات درنده کمتر و در حال حاضر دیگر استفاده نمی‌شود.

ب. نقوش گیاهی

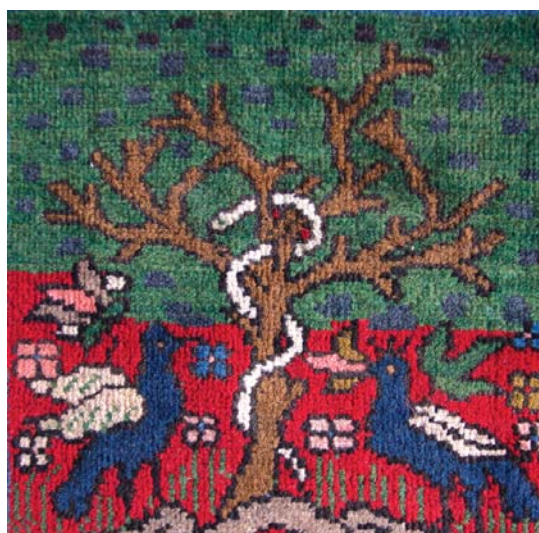
برخی از نقوش گیاهی عبارت‌اند از: الف. درخت (سرو، کاج، بید مجنون، چنار، انگور و بادام)، ب. گل (رز، نرگس، گل انار، گل بادامی یا بته جقه، گل پیاز، میوه کاج، لاله و...)، ج. برگ (مو، بید، بادام و چنار) نگاره‌های گیاهی مورد استفاده در قالی‌های خشتی اکثراً گل‌ها و درختانی که زبانزد خاص و عام است. بعضی از این نگاره‌ها در طبیعت منطقه موجود و برخی دیگر الهام‌گرفته از مناطق دیگرند.



تصویر ۱۵: حجاری‌های سنگی قلعه چالش تر و خشت گلدان گل، نقاشی‌های دیواری قلعه چالش تر و خشت زنبق (از سمت راست)، مأخذ: همان.



تصویر ۱۶. حجاری سنگی نقش فرشته در سردر ورودی قلعه چالش تر و خشت فرشته، مأخذ: همان.



تصویر ۱۸. خشت درخت و مرغ و مارمأخذ: همان.



تصویر ۱۷. خشت درخت بید مجنون، مأخذ: بایگانی نقشه‌های
خشتی اتحادیه فرش استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۹۰.

خشتی در تصاویر (۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶) مشاهده می‌شود.

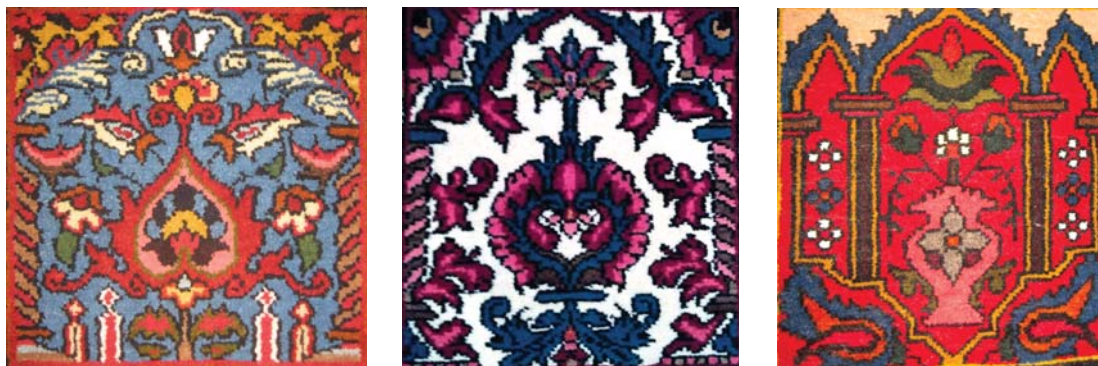
۳. مذهب و اعتقادات

جدایی هنر قالی‌بافی از معنی و محتوی باطنی آن انحراف و نابودی این هنر واحد و منسجم است چراکه این هنر آمیزه‌ای از صورت و معناست.

استعداد، ابتکار و تربیت هنری سه عاملی هستند که بافنده را به هنر حقیقی و زیبایی همگانی سوق می‌دهد اما دین و مذهب می‌تواند نقش واسطه‌ای برای پرورش استعداد و ابتکار بافنده داشته باشد، چراکه مذهب، بعد معنایی به کار می‌دهد. از آنجایی که موضوع و مفهوم در کنار هم باعث زیبایی می‌شوند، بسیاری از طرح‌ها، نقوش و حتی رنگ‌ها بار معنایی مذهبی می‌یابند که القای این جنبه مذهبی دسترسی به هنر ساده، زیبا و حقیقی را امکان‌پذیر و پایه‌های ماندگاری آن را مستحکم‌تر می‌کند (دریائی، ۱۳۸۶: ۶۲)؛ اما هر اعتقادی در هر جامعه‌ای از بدو تولد تا مرگ، شعایر و ویژه خود را دارد. در هریک از این شعایر، نقش‌مایه‌ای مورد نیاز بوده و به کار رفته است. به عنوان مثال درختان مورد استفاده در قالی‌های منطقه بیشتر درختانی هستند که در فرهنگ ایران، قدیم اهمیت داشته‌اند، مانند کاج، سرو، بید مجنون، انار، انگور؛ اما آنچه مسلم است این منطقه نحوه نمایش خاص خود را دارد و به غیر از نقوش به کار رفته در هنرهای تزئینی، گاهی به عنوان سمبل و نماد شناخته می‌شوند. به همین سبب،

مردم برای برآورده شدن آمال و حاجات خود با پارچه‌های الوان به خصوص رنگ‌های سبز، قرمز و آبی گره‌هایی بر شاخه‌های این درختان می‌زنند، به خصوص اگر در نزدیکی آن زیارتگاه اولیا یا بزرگی وجود داشته باشد، آن درخت مبدل به درخت حاجات می‌شود و معتقدند چنانچه گره باز شود حاجت آنان برآورده خواهد شد. گره‌های الوان بر روی شاخه‌ها منظره زیبایی به این درختان می‌دهد که از دور شبیه به گل‌ها و شکوفه‌های زیبا درختان را پوشانده و زیبایی منظره درختان را چندبرابر می‌کند. قالی‌بافان سعی دارند این منظره زیبا را در طرح‌هایشان بگنجانند. به همین علت، بر روی شاخه بید مجنون و سرو و حتی کاج شکل‌های سه‌گوش و چهارگوش به رنگ‌های آبی، سبز و قرمز می‌گنجانند و با این شیوه گره حاجات را در طرحشان نشان می‌دهند و بیننده با دیدن این تصویر تشخیص می‌دهد که بافنده قالی حاجتی دارد و برای برآورده شدن حاجاتش دعا می‌کند.

۱. منظوران شعایر تنهامسائل اعتقادی انسان نیست، چراکه حتی مسائلی چون خوراک، شکار موفقیت‌آمیز، بهبود بخشی بیماری‌ها، تولد، و مرگ برای مردم مهم بوده و برای بیان آن‌ها به نگاره‌هایی نیازمند بوده‌اند.



تصویر ۱۹: انواع خشت‌های محرابی (ستونی)، مأخذ: نگارندگان

می‌کنند و به کسی چیزی نمی‌گویند چون وجود آن مار را بخت، اقبال و ثروت صاحبخانه می‌دانند. (تصویر ۱۸)

از جمله نقوش اعتقادی دیگر منطقه چالش تر همانند سایر مناطق استفاده از فرم‌های محرابی است که به اشکال مختلف در چند خشت مشاهده می‌شوند. آقای شیرزاد از آگاهان محلی اظهار می‌دارد که در بین بافندگان خشت محرابی از قداست خاصی برخوردار است چراکه برگرفته از نقش محراب در مساجد است و تجسم و حیاتمندی فضای عبادتی را در زندگی روزمره مردمان این منطقه متبلور می‌سازد. این نقش به اشکال مختلف در خشت‌ها مشاهده می‌شود. (تصویر ۱۹)

بحث

سابقه کهن قالی در منطقه چالش تر بخشی از فرهنگ و هنر مردم این دیار است. به آسانی می‌توان دریافت که راز بقا و تداوم این هنر اصیل مربوط به طرح، نقش و رنگ‌های زیبا با اتکا به صفای روحی و ذوق نیاکان و نسل امروز دارد. در قالی حجم بیشتر بار هنری از آن طراحی و نقش است که علی‌رغم تصور کلی در مورد بافت دشوارترین مرحله تولید است. البته صحیح است که در پروردن و انتقال طرح بر قالی قدرت، توانایی و درک بافندگان هنرمند بسیار مؤثر است ولی طرح و نقش ارزشی مطلق دارد. برخی از طرح‌ها و نقوش در فرهنگ منطقه چالش تر به سبب مراودت یا اختلاط‌هایی همچون ازدواج‌ها، تعامل بین شهرها، روستاها، مهاجرت‌ها، حضور طراحان، ارتباط خوانین با سایر شهرها، تمایل مردمان منطقه به سمت زندگی شهرنشینی، عوامل قومی، اجتماعی، دینی، شرایط اقلیمی و جغرافیایی، پذیرش فرهنگی و حتی تاریخچه زندگی و ساختار روحی و روانی و مکاشفات شخصی بافنده یا طراح به وجود آمده‌اند و سیر تحولی را طی کرده‌اند، به شکلی که نقوش از فرم‌های هندسی به سمت نقوش نیمه‌گردان و گردان متمایل شده‌اند. ولی چون قالی به جهت مصالحی که در آن به کار می‌رود فاقد دوام و ماندگاری است، نمی‌توان

از طرفی درخت بید همیشه باغم و اندوه همراه است، اما برخی مردمان چالش تر اعتقاد دارند که این درخت مفهوم زندگی و عمر زیاد دارد. از این رو با آن درد دل می‌کنند و آن را به شهادت می‌گیرند. نقش این درخت در قالی به صورت ساده بافته می‌شود. در اکثر موارد تنه درخت در مرکز تصویر و شاخه‌ها از دو طرف آویزان‌اند. درخت بید خواص درمانی زیادی دارد. برای مثال جوشانده پوست بید می‌دهند و به عنوان تب‌بر کاربرد دارد. (تصویر ۱۷)

خشت درخت و مرغ و مار

در این خشت، نقوش درخت، پرنده و مار مشاهده می‌شود. مار در رنگ‌های مختلف و گاه به صورت دورنگ و با حالت چرخیده و به لانه که در آن تخم پرنده قرار دارد حمله‌ور شده است. دو پرنده بدبده در دو طرف درخت و اطراف مار در حال دفاع از خود و لانه‌شان هستند و می‌خواهند با ایجاد صداهای مختلف مار را فراری دهند. بدبده نام دو نوع پرنده‌ای است که از صدای این پرندگان گرفته شده است. یکی از آن‌ها بلدرچین است که صدایش با صوت بده بده شنیده می‌شود و بدین نام مشهور است. دیگری پرنده‌ای است مهاجر، کمی از گنجشک کشیده‌تر، پرهای پشتش هم‌رنگ گنجشک، زیر شکم و سینه‌اش زرد و آهنگ صدایش همان بدبده است. مردم محلی و بومی معتقدند این پرنده چنین می‌گوید: بدبده، بدبده، بدبده از مو بدتر به دنیا نیند. بدبده است ... از من بدتر به دنیا نیست. این پرنده برای این چنین نذری به درگاه خداوند می‌کند که روزی یکدانه گندم از کشتزار صغیری خورده است بنابراین همیشه خود را بدترین می‌داند و از خداوند طلب بخشش می‌کند. این پرنده تابستان‌ها به منطقه چالش تر و اطراف مهاجرت می‌کند و زمستان به منطقه گرمسیر می‌رود (سرلک، ۱۳۸۵: ۵۶-۵۷) و در قالی‌ها در کنار نقش درخت و مار به کار می‌رود. در طبیعت نیز هرکجا لانه پرنده قرار دارد مار هم هست. در بین مردمان منطقه چالش تر مار سفید کوچکی وجود دارد که دور گردنش خط سیاه به صورت طوق دارد و در هر خانه‌ای دیده شود آن را پنهان

نمونه‌هایی با قدمت زیاد را معرفی کرد. با تمام خلاقیت و زیبایی که در برخی از آثار به‌جامانده از دوران قبل و به‌خصوص قالی خشتی منطقه چالش‌تر وجود دارد، نمی‌توان از آن به‌عنوان کامل‌ترین مدرک جهت شناسایی خاستگاه نقوش استفاده کرد و به ماهیت و اصالت آن پی برد. تنها با مقایسه آثار و مطالعاتی در پیشینه هر قوم و سایر هنرهای بومی و منطقه‌ای می‌توان اطلاعات جمع‌آوری شده را به‌عنوان یک نظر و ایده مطرح کرد، چنان‌که در این مقاله هم نظرات نگارندگان در سه گروه قراردادی مطرح شد.

نتیجه

همان‌طور که اشاره شد تعریف متناسب از فرهنگ مطرح در این مقاله شیوه بودن و عمل در جهان اجتماعی تعریف شد. شیوه بودن از دیدگاه این موضوع برمی‌گردد به آنچه قالی خشتی چالش‌تر می‌تواند از نحوه اندیشه و حس افراد در جهان به ما نشان دهد. بررسی عوامل مؤثر در ایجاد نقوش موجود در خشت‌ها بخش‌هایی از این شیوه بودن را به ما نشان می‌دهد. شیوه عمل کردن نیز در برگیرنده این موضوع است که بافنده یا طراح قالی چگونه ذهنیات و دلالت‌های فکری خود را در قالب نقوش منتقل می‌کند. در واقع این شیوه عمل کردن یعنی تأثیرات متقابل محیط هنرمند و اعتقادات و باورهای قومی وی در نقش‌پردازی از گذشته تا حال در قالب‌های مختلف (از جمله قالی خشتی) است. با نگاهی به راه و رسم زندگی هر ملت و آشنایی اجمالی با فرهنگ آن‌ها می‌توان چنین نتیجه گرفت که فرهنگ و محصولات مختلف جامعه هر یک مشخصات ویژه‌ای دارد. چنین مقوله‌ای در عالم هنر به‌گونه‌ای است که در آن هنرمندان با توجه به دریافت و برداشتی که از واقعیت امور کسب کرده‌اند وقایع را روایت می‌کنند. در بین هنرمندان هر زمان و مکانی نقوشی رواج پیدا می‌کند که دارای پشتوانه فرهنگی، قومی و فکری اشخاصی هستند که فرهنگ یک منطقه را شکل می‌دهند. نقوش استفاده‌شده در فرهنگ و هنر طی انتقال به نسل‌های بعدی با کمی تغییرات و همان مفهوم تداوم پیدا می‌کند با توجه به اینکه کشف رموز نهفته در نقش و نمادهای تصویری دارای پیشینه مکتوبی نیست و طی نسل‌های پیاپی تغییر یافته است و این مسئله باعث شده بسیاری از نقوش و طرح‌ها اسامی مختلفی را بپذیرند. این بافندگان از ذهن خلاق خود بهره‌گرفته‌اند و تابع نقشه‌های سفارشی نیستند اما از انتزاع و تنوع برای انتقال مفاهیم موردنظر خود بهره‌جستند. اگرچه هنرمند بافنده چالش‌تری فقط به بافت نقشه‌های اصلی منطقه خود می‌پردازد و این مسئله او را در آزمودن نقشه‌های دیگر محدود می‌کند؛ اما ایشان با ایجاد تنوع در نگاره‌ها و ترکیب‌بندی آن‌ها زمینه‌های فکری خود را محدود به موضوعی خاص نمی‌کند؛ بلکه بیشترین تنوع را با اقتباس و یا خلق نگاره‌های جدید در بافته خود ایجاد می‌کند و سبک بومی و منطقه‌ای خود را که حتی با دیگر مناطق متفاوت است پایه‌گذاری می‌کند. این سبک و نقوش بر پایه سنت‌های خانوادگی و کسب از نیاکان، از مادر به دختر و از بافنده‌ای به بافنده دیگر منتقل شده‌اند. بافنده چالش‌تری نقوش کهن و نو را در کنار هم حفظ کرده و همواره با الهام از طبیعت و محیط پیرامون خود نگاره‌هایی جدید را با حفظ اصالت می‌آفریند. اکثر نقوش به‌کاررفته در قالی‌های چالش‌تر به جهت آنکه ریشه در طبیعت دارد و در ارتباط مستقیم با زندگی مردم منطقه است بیش از سایر نقوش در قالی‌ها نمایان شدند. برخی از نقوش دیگر نیز بر اثر مرادوت‌های فرهنگی با سایر مناطق حاصل شده‌اند که پیشینه بسیاری از این نگاره‌ها به دوران ماقبل تاریخ برمی‌گردد چراکه کهن اقوام نیز در هر دوره‌ای در انواع هنرهایشان دارای نگاره‌های خاصی بوده‌اند که طی نسل‌ها به دوره‌های بعد انتقال داده شده‌اند. با در نظر گرفتن این نکته که خلق و تغییر نگاره‌ها در طول تاریخ، با تکامل و تحریف همراه بوده است که این خود می‌تواند متأثر از دو عامل باشد: ۱. عوامل فردی (خلاقیت، مهارت، ذوق و جنسیت بافنده یا طراح) و ۲. عوامل اجتماعی (تحولات و مرادوت‌های فرهنگی، اعتقادات قومی، بستر تولید، خارج شدن جوامع از حالت خودمصرفی و هماهنگی طرح‌ها با فن‌های بافت).



منابع و مآخذ

- آشوری، داریوش. ۱۳۷۹. تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، تهران: آگه.
- آهنجیده، اسفندیار. ۱۳۸۶. چهارمحال و بختیاری و تمدن دیرینه آن. شهرکرد: افست.
- الیاده، میرچا. ۱۳۸۵. رساله در تاریخ ادیان. ترجمه جلال ستاری. تهران: سروش.
- ایزدی جیران، اصغر. ۱۳۹۱. تجسم فرهنگ در هنر، مردم‌نگاری و رنی‌های قره داغ آذر بایجان. رساله دکتری رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران.
- بیهقی، حسین علی. ۱۳۶۷. فرهنگ عامه. مشهد: آستان قدس رضوی.
- توفیقی، پیوند. ۱۳۸۶. «نقش و نمادهای تصویری در دستبافته‌های عشایری و روستایی و عوامل مؤثر بر آن»، مجموعه مقالات دومین سمینار ملی تحقیقات قالی دستباف: ج ۲، ۴۵۳-۴۶۲.
- دریایی، نازیلا. ۱۳۸۶. زیبایی‌شناسی در قالی دستباف ایران. تهران: مرکز ملی قالی ایران.
- سرلک، رضا. ۱۳۸۵. آداب و رسوم و فرهنگ عامه ایل بختیاری چهار لنگ. تهران: طهوری.
- عبدالحسین زاده، هاید. ۱۳۸۵. «انسان‌شناسی هنر»، خیال، ش ۱۷: ۲۰-۶۹.
- قانی، افسانه. ۱۳۹۲. «قالی خشتی فرخ شهر»، مجموعه مقالات سومین همایش روز ملی فرخ شهر، ۱۸۵-۲۰۷.
- قانی، افسانه و افروغ، محمد. ۱۳۹۱. «بررسی تطبیقی و گونگی قالی‌های خشتی سامان و چالش‌تر»، مطالعات هنر اسلامی، س ۸، ش ۱۶: ۲۱-۳۴.
- کرمانی، رمضان علی. ۱۳۷۵. بررسی اصالت نقوش خشتی و قالی‌های استان چهارمحال و بختیاری، سازمان جهاد کشاورزی استان چهارمحال و بختیاری.
- وزیری، علینقی. ۱۳۶۹. تاریخ عمومی هنرهای مصور، ج ۱: قبل از تاریخ اسلام. تهران: هیرمند.

Malinowski, Bronislaw. 1930. "Culture", *Encyclopedia of Social Sciences*, 3: 621-646.

Taylor, Edward. 1958. *Primitive Culture*. New York: Harper & Row.

Influential Elements in Design of the Kheshti Rugs of Chaleshtor

Asqar Javani, Associate professor, Department of painting, Isfahan University of Art, Isfahan, Iran.

Asqar Izafi Jeyran, Assistant professor, Department of Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran.

Nasser Fakouhi, Associate professor, Department of Humanities, University of Tehran

Afsaneh Qani, Afsaneh Ghani, PhD Candidate, Isfahan University of Art, Isfahan, Iran.

Received: 2015/1/5

Accepted: 2014/5/28



Every Ethnic and regional art is the crystallization of regional rituals, customs, and religious beliefs, which have ancient roots; relying on these values the community can justify its ideas and beliefs. Chaleshtor region is one of the special areas in the field of traditional arts, handicrafts and particularly hand woven rugs. Its rugs have a special place in the carpet world because of the factors such as its unique colors, designs and motifs. Motifs in one of the most famous rugs of this region, Kheshti (or brick-shaped) rugs, have a universal visual expression which are depicted mainly to convey a given content or used as ornamentalations. This paper attempts to answer the question - what are the most important influential factors in emergence of the Kheshti rug designs of Chaleshtor? Therefore samples of the most authentic Kheshti rugs of the region were collected based on their antiquity and visual quality during the field work, all the motifs inside the brick-like shapes were identified and categorized, after which their origins were studied. It seems that some of the motifs have ancient roots, originating from – nature, beliefs, cultural influences and the local style. This paper using descriptive method, aims at finding out the most important influential factors in emergence of some of the Kheshti rug motifs of Chaleshtor. The results showed that the nature and cultural factors have the most influence on Kheshti rug designs of Chaleshtor.

Keywords: Culture, Nature, Religion and Beliefs, Chaleshtor, Kheshti Rugs, motifs.